



بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت شهروندی

رضا جعفری هرندي *

زهرا لک **

حیدر قادری ***

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۹/۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۱/۲۲

چکیده:

جهانی شدن یکی از واژه‌هایی است که به سرعت گسترش یافته و بیانگر تغییرات مهمی است که در سطح جهان در حال روی دادن است. جهانی شدن، شهروندی را به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که امروزه بحث شهروندی و تربیت شهروندی علاوه بر آنکه در سطح محلی و ملی مورد توجه است، در سطح بین‌المللی و جهانی نیز مدنظر است. در این تحقیق نسبت جهانی شدن با تربیت شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است و به دنبال پاسخگویی به سه سؤال تحقیق یعنی؛ نسبت میان جهانی شدن با تربیت شهروندی چگونه است؟ مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد جهانی شدن کدامند؟ مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد تربیت شهروندی در شرایط جهانی شدن کدامند؟ است. روش انجام تحقیق تحلیل اسنادی بوده و برای پاسخگویی به سؤالات به جستجو و گردآوری تمام منابع نوشتاری و غیرنوشتاری پرداخته و ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق مطالعه و فیش‌برداری از منابع است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، تربیت شهروندی، مفاهیم، ابعاد و ویژگی‌ها.

* استادیار مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان Email: rjafarih@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علامه Email: Nazaninezahra@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان Email: Heydar 2020@yahoo.com

مقدمه

این طبقه‌بندی را بر هم می‌زند و به در هم فشرده شدن جهانی و تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت می‌یابد (رحمتی، ۱۳۸۲).

جهانی شدن را می‌توان به آزاد شدن قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از قیود مرزهای جغرافیایی تعبیر کرد که امکان بی‌مرز شدن اطلاعات و دانش را فراهم می‌آورد و به رهایی امور مرتبط با زندگی مردم از قیود حاکمیت‌های متفرق و مرزهای ملی کشوری، برای تبادل آزاد اندیشه‌ها، افکار و تبدیل شهروندان ملی به شهروندان یک جامعه جهانی می‌انجامد (رابرتسون، ۱۹۸۵).

ظهور جهانی شدن همه جنبه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده تا سواد، علم، تدریس، یادگیری، معلم، مدرسه، محتوای درسی و سایر مفاهیم آموزش و پرورش در حال احراز تعاریف جدید باشند. در این حالت، نقش مدرسه و معلم مانند نقش آن در دهه‌های گذشته نخواهد بود. بنابراین رسالت مهم آموزش و پرورش در این فرایند (جهانی شدن) این است که دانش‌آموزان را به عنوان شهروندان جهانی تربیت کند تا آن‌ها بتوانند نقش خود را هم به عنوان شهروند جامعه خود و هم جامعه جهانی با قبول مسئولیت در همه زمینه‌ها ایفا کنند (دیبا، ۱۳۸۳).

امروزه بسیاری از کشورهای دنیا تربیت شهروندی^۱ را مدنظر قرار داده‌اند. سوءظن‌هایی که نسبت به جریان‌های سیاسی و فردگرایی شدید و بدگمانی عمومی آمریکایی‌ها - که کاهش مشارکت مردمی را به همراه داشت - دغدغه‌های حکومت جمهوری خواه چین در رابطه با موفقیت‌های شهروندی تایوان و رشد دموکراسی در آن، طیف گسترده مهاجرت در دنیا و تبعات آن برای جوامع مهاجرپذیر، تغییرات عظیم و سریع در جوامع مدرن که ارتباط‌های درون فردی و بین‌فردی، گروه‌ها، ایالات، مناطق و بلوک‌های اقتصادی - سیاسی را به صورت گسترده‌ای تحت تأثیر قرار داده است در سطح فراملی و در سطح ملی کاهش مشارکت مردمی، تغییر و تحولات سیاسی، وضعیت نامناسب اقتصادی، گسترش ارتباطات، بیکاری و از همه مهم‌تر ویژگی

روند تحولات در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمام زمینه‌ها نشان خود را برجای گذاشت و در دهه ۱۹۸۰ برای رجوع به این دگرگونی‌ها مفاهیمی چون جامعه صنعتی و فرامدرن به کار می‌رفت؛ اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی مفهوم جهانی شدن رایج شد و در دوران معاصر به مفهوم مسلط تبدیل شد، یعنی امروزه همه چیز با رجوع به این مفهوم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مفهوم جهانی شدن^۱ مفهومی است که به‌تازگی کاربرد فراوانی را در عرصه‌های مختلف اجتماع یافته است؛ ولی هیچ یک از اندیشمندان تاکنون نتوانسته‌اند، تعریف جامعی از آن ارائه دهند. زیرا این پدیده به حد تکامل نهایی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و هر روز وجه تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن مشخص و نمایان شده است. از دیدگاه، مک‌گرو^۲ و مارتین البرو^۳، جهانی شدن فرایند یکپارچگی مردم جهان در یک جامعه واحد است، به نحوی که حوادث و اتفاق‌ها در نواحی دور دست سبب شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شوند (معروفی، ۱۳۸۳: ۵۵۷).

اصطلاحاتی چون «Globalize»، «Globalization»، «Globalizing» از حدود سال‌های ۱۹۶۰ رواج عام یافته است؛ ولی واژه جهانی «Global» بیش از چهارصد سال قدمت دارد. فرهنگ «وبستر» یکی از نخستین فرهنگ‌های معتبری است که برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ تعاریفی برای واژه‌های «Globalism» و «Globalization» ارائه کرده است. نخستین مقاله جامعه‌شناسی با عنوان جهانی شدن در سال ۱۹۸۵ به‌وسیله رونالد رابرتسون^۴ نوشته شده است (واترز^۵، ۱۹۹۵).

جهانی شدن فرایندی چندبعدی است که با انجام یا تحقق آن، تدوین، اجرا و ارزشیابی، تمام خط‌مشی‌ها و استراتژی‌ها، در سطح جهان یکپارچه می‌شود. پیچیدگی پیوندهایی که در اثر جهانی شدن به‌وجود می‌آیند، پدیده‌هایی را شامل می‌شوند که دانشمندان اجتماعی کوشیده‌اند آنها را با مقولاتی از هم تفکیک کنند: مقولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فناوری، زیست‌محیطی، فرهنگی و ...؛ اما می‌توان گفت که جهانی شدن

1. Globalization
2. McGrew
3. Martin Albero

4. Ronald Robertson
5. Waters
6. Citizenship education

نوشتاری (اعم از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات، نشریات و ...) و منابع غیرنوشتاری (اینترنت و ...) پرداخته شده است، بنابراین نمونه‌گیری انجام نشده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات مطالعه و فیش‌برداری از منابع است.

شیوه تحلیل داده‌ها

ابتدا به توصیف داده‌های مورد نیاز پرداخته، سپس ارتباط میان مفاهیم را تبیین کرده و بعد اطلاعات به‌دست آمده را تحلیل و در آخر نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

بررسی سؤال اول تحقیق: نسبت میان جهانی شدن با تربیت شهروندی چگونه است؟

دیوید میلر^۱ استدلال می‌کند که شهروندی بدون ارتباط با ملت ایده‌ای پوچ است؛ اما جهانی‌شدن در این دو دهه اخیر بحث شهروندی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است، در واقع جهانی‌شدن در برگزیده چالش‌های جدیدی برای شهروندی است. رشد فزاینده حرکت و جابه‌جایی مردم در سطح بین‌المللی مبنای تعلق به دولت - ملت را زیر سؤال برده است، چنان‌که اکنون میلیون‌ها نفر دارای تابعیت مضاعف شهروندی چندگانه هستند. جهانی‌شدن، شهروندی را به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیر نیز از سه جهت قابل اشاره است که دو جهت آن غیرمستقیم و زمینه‌ای است و یک جهت آن مستقیم است.

جنبه اول این است که جهانی‌شدن، مفهوم «خودمختار نسبی» دولت - ملت را که شهروندی‌های ملی برپایه آن استوار است، زیر سؤال می‌برد. جهانی‌شدن اصل سرزمین، یعنی نقطه پیوند میان قدرت و مکان را گسسته است.

جنبه دوم تأثیر جهانی‌شدن، تضعیف ایدئولوژی حمایت‌کننده از فرهنگ ملی و به‌نسبت مستقل است. رشد سریع در حوزه

عمده رفتار شهروندان معاصر که درصدد کسب نفع شخصی و مزیت‌های فردی هستند، مسئله تربیت شهروندی را چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی به یک مسئله پراهمیت تبدیل کرده است (امین‌پور، ۱۳۸۴).

جهانی‌شدن، شهروندی را به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار داده است. به‌طوری که امروزه بحث شهروندی و تربیت شهروندی علاوه بر آنکه در سطح محلی و ملی مورد توجه است، در سطح بین‌المللی و جهانی نیز مدنظر است. بنابراین سخن از تربیت شهروندی جهانی، شهروندی الکترونیک، شهروندی زیست‌محیطی یا بوم‌شناختی از مباحث اساسی محافل علمی است (فراهانی، ۱۳۸۳: ۳۵۱).

جهانی‌شدن بستر شهروندی را دگرگون کرده است و بازاندیشی آن را در ابعاد محتوا، گستره و عمق باعث شده است.

آنچه مسلم است این است که جهانی‌شدن مسائل جدیدی را پیش‌روی شهروندی قرار داده است که نیاز به تبیین جدیدی دارد که در آن شهروند علاوه بر پیوند به ملیت خاص باید به مسائل فراملی نیز بیاندیشد (همان: ۳۵۷).

بنابراین با توجه به مباحث فوق سه سؤال اساسی زیر مطرح و مورد بررسی واقع شده‌اند:

۱. نسبت میان جهانی‌شدن با تربیت شهروندی چگونه است؟
۲. مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد جهانی‌شدن کدامند؟
۳. مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد تربیت شهروندی در شرایط جهانی‌شدن کدامند؟

روش تحقیق

در تحقیق حاضر تمام اسناد و مدارک مربوط به پدیده جهانی‌شدن و تربیت شهروندی گردآوری و در راستای تحقیق مورد بررسی واقع شده است. از این رو، روش انجام تحقیق تحلیل اسنادی بوده است.

جامعه و نمونه تحقیق

در این مرحله از تحقیق به جستجو و گردآوری تمام منابع

1. David Miller

دولت‌ها را به حقوق دیگران و سایر جوامع حساس‌تر ساخته‌اند. حکومت‌ها لازم است با برقراری چارچوب نهادی آموزشی مناسب در این راه گام بردارند و با استقرار یک نظام آموزشی کارآمد بویژه در بعد شهروندی و شهروندی جهانی، تمایل بیشتری برای ایفای مسئولیت‌های خود فراسوی مرزها از خود نشان دهند (فراهانی، ۱۳۸۳: ۳۶۱-۳۵۹).

بررسی سؤال دوم تحقیق: مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد جهانی شدن کدامند؟

اصطلاح جهانی شدن مفهومی است کاملاً رایج که دائم در رسانه‌های عمومی به کار می‌رود، با این حال تعاریف و مفاهیم مغشوش و اغلب متضادی درباره این پدیده وجود دارد. در اساسی‌ترین سطح، جهانی شدن تغییرات ساختاری است که در فرایند تولید و توزیع اقتصادی جهانی رخ می‌دهد، تغییرات ساختار مذکور به دلیل واکنش‌هایی است که بسیاری از شرکت‌های جهانی در مواجهه با فشارها و فرصت‌های خارق‌العاده‌ای که تقاضای روزافزون و فناوری‌های اطلاعاتی در درون فرایند تجارت ایجاد می‌کند، نشان می‌دهند.

در سطح ثانوی جهانی شدن در همه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرایندهایی که از این تجدید ساختار جهانی پدیدار می‌شوند، تأثیر می‌گذارد. مسئله مهم در این میان، نقش مهم دانش، تعلیم و تربیت و یادگیری در کامیابی جامعه اطلاعاتی جهانی^۱ و اقتصاد اطلاعات جهانی است. دانش نقش مهم و رو به تزایدی در تولید می‌یابد، نقشی که پاره‌ای از تحلیل‌گران برآورد در جریان تولید، از سرمایه، کار و زمین اهمیت بیشتری دارد (عطاران، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

جهانی شدن در پنج ویژگی کلی زیر قابل بیان است که در اصل تلفیقی از نظریات گوناگون است:

۱. ویژگی اول جهانی شدن، کم شدن فاصله جغرافیایی میان جوامع بشری است. این خصوصیت بیانگر پدید آمدن نوعی نظم جدید در جامعه بشری مبتنی بر خلاقیت و قدرت انسانی است و جهان، دیگر محل انجام رقابت‌های قدرت‌های بزرگ نیست.

ارتباطات و حمل و نقل به افزایش چشمگیر میزان مبادلات فرهنگی منجر شده است.

جنبه سوم آثار جهانی شدن، مستلزم حرکت و جابه‌جایی فزاینده مردم در طول مرزهای ملی یعنی تشدید پدیده مهاجرت شده است (کاستلز^۲ و دیویدسون^۳، ۱۳۸۲).

در واکنش به جهانی شدن و تنوع فرهنگی و ارتباط آن با شهروندی دو دیدگاه اساسی وجود دارد که دو سر یک طیف محسوب می‌شوند و در بین این دو قطب، تفاسیر و نظرات دیگری نیز قابل طرح است.

۱. یک دیدگاه این است که اساس شهروندی و دولت - ملت در هر صورت با فشارهای اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن در حال دگرگونی است و از این‌رو، دیگر کار چندانی نمی‌توان کرد. جریان روبه رشد انتقال اطلاعات در حال تبدیل کردن مردم به شهروندان جهانی است. «اهما»^۴ در کتاب خود «جهانی بودن مرز»^۴ و «سویسال»^۵ در کتاب «محدودیت‌های شهروندی»^۶ چنین دیدگاهی دارند. اه‌ما معتقد است بخش اعظم قدرت اقتصادی از دولت‌ها به شرکت‌ها و بازارها منتقل شده است و سویسال نیز از شهروند «پساملی»^۷ سخن می‌گوید. وی استدلال می‌کند که مفهومی جدید و جهان‌شمول‌تر از شهروندی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کرده است که اصول سازمان‌دهنده و مشروعیت‌بخش آن، نه بر پایه تعلق ملی، بلکه بر پایه «شخصیت جهان‌شمول»^۸ بنیان می‌یابد.

۲. دیدگاه دوم مطرح می‌کند این که بگوییم به شهروند پساملی دست یافته‌ایم و یا در آینده‌ای نزدیک دست خواهیم یافت، به نظر بلندپروازانه است. چرا که هنوز هم دولت - ملت اصلی‌ترین نقطه ارجاع شهروندان است و این‌گونه به نظر می‌رسد که چنین وضعیتی همچنان ادامه خواهد یافت.

آنچه از مجموع این دیدگاه‌ها می‌توان گفت این است که جهانی شدن مسائل جدیدی را فراسوی همگان قرار داده است که بازاندیشی آن را می‌طلبد. معضلات امنیتی جدید مرتبط با تهدیدات فرامرزی مانند نابودی هسته‌ای یا فجایع زیست‌محیطی،

1. Castles
2. Davidson
3. Ohmae
4. The Borderless world
5. Soysal

6. Limits of citizenship
7. Post national
8. universal personhood
9. Global Information society (GIS)

چه طبیعی و چه اقتصادی در کشور دیگری اتفاق بیفتد، به‌طور قطعی روی اقتصاد دیگران نیز تأثیر می‌گذارد. در بعد سرمایه که یکی از ابعاد مهم جهانی شدن اقتصاد است، جهان مرز ندارد، سرمایه از یک طرف و اطلاعات در طرف دیگر، بدون مرز مانند باد می‌چرخد و به سرعت جابه‌جا می‌شود. اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای و خبری، ارتباطات مستمر را میان مردم دنیا برقرار می‌کند و دنیا به صورت یک دهکده جهانی درآمده است. در زمینه سرمایه نیز در کمتر از یک ثانیه سرمایه را جابجا می‌کنند. هر فرد دستگاه پیشرفته‌ای در اختیار دارد که او را به بانک او وصل می‌کند. این فرد با فشار دادن یک دکمه می‌تواند پول خود را از حسابی به حساب دیگر انتقال دهد.

در یک جمع‌بندی در مورد بحث‌های انجام شده درباره تحولات آتی اقتصاد جهانی، موارد زیر را می‌توان با اهمیت تلقی کرد: ۱. جهان‌گرایی و جهانی شدن بازارها به بسط رقابت‌ها منجر خواهد شد، ۲. تأثیر فناوری اطلاعاتی که بر سرعت برقراری ارتباط و دسترسی به نیروی کار در نقاط گوناگون می‌افزاید، ۳. افزایش روزافزون آگاهی مشتریان و مصرف‌کنندگان، ۴. کوتاه شدن چرخه حیات اغلب محصولات (توسلی، ۱۳۸۱).

۲. بعد سیاسی

نظام‌های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت به‌ویژه در مبادله سازمان‌یافته مبتنی بر اعمال فشار و نظارت و نیز نهادینه شدن این اقدامات در قالب اقتدار سیاسی و دیپلماسی است و به تثبیت کنترل بر جمعیت منجر می‌شود. به این ترتیب، ضرورت سازمان‌دهی منافع مشترک فعالیت‌های مشترک احساس می‌شود. حل بسیاری از چالش‌های موجود ممکن است از عهده هیچ کشوری به تنهایی ساخته نباشد. در سطح ملی باید بهتر حکومت کنیم و در سطح بین‌المللی باید یاد بگیریم که با هم بهتر زندگی نماییم (عنان، ۲۰۰۰).

به‌زعم وابستگی متقابل اقتصادی و فرهنگی فزاینده، نظام جهانی در نتیجه نابرابری‌ها دچار از هم‌گسیختگی و به مجموعه ناهماهنگی از دولت‌ها که علایق گوناگون و نیز مشترکی دارند، تقسیم شده است. هیچ نشانه مشخصی از یک وفاق سیاسی که قادر به تفوق بر منافع متضاد دولت‌ها در آینده نزدیک باشد، دیده نمی‌شود. ممکن است سرانجام در نتیجه یک فرایند توسعه

۲. ویژگی دوم جهانی شدن، توسعه علوم تکنولوژی است که انسان را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. برخی از این دستاوردهای تکنولوژیک مانند تلفن، نامبر، اینترنت، پست الکترونیک و ... در عمل باعث کم شدن فاصله میان انسان‌ها شده است.

۳. ویژگی سوم، ظهور نوعی فرهنگ جهانی بر مبنای برخی عوامل بین‌المللی است. برخی از این عوامل عبارتند از: زبان (به‌خصوص زبان انگلیسی)، اقتصاد، علوم و تکنولوژی (برای مثال در زمینه‌های پزشکی و رایانه)، متغیرهای فرهنگی در نتیجه رشد وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون و ماهواره‌ها و رشد ضمنی نوعی متغیرهای مذهبی در جهان است.

۴. ویژگی چهارم جهانی شدن، رشد غرب‌گرایی در جهان به دلیل برخی متغیرهایی مانند زبان، علوم و تکنولوژی. اکنون پیوسته در نقاط مختلف جهان صحبت از نوعی فرهنگ غربی است که فرهنگ محلی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است.

۵. پنجمین ویژگی جهانی شدن، کم شدن توجه به مسائل نظامی نسبت به گذشته است. اکنون همگان دریافته‌اند که در صورت رخ دادن جنگ تمام عیار، این جنگ برنده‌ای نخواهد داشت. درسی که از جنگ سرد آموخته شد، امکان نابودی تمام جوامع بشری در صورت وقوع جنگ در جهان است. همین آگاهی جهانی نسبت به جنگ باعث شدت یافتن فعالیت‌های صلح‌محور نسبت به گذشته است (طاهری، ۱۳۸۱: ۹۵).

از نظر صاحب‌نظران و کسانی که درباره جهانی شدن تئوری پردازی می‌کنند، جهانی شدن دارای سه بعد اساسی است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بعد اقتصادی

جهانی شدن به تأثیرگذاری شرکت‌های فراملی، بانک‌ها و سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی و غیره منجر شده و به‌ناچار در نقش عوامل تأثیرگذار داخلی و به‌خصوص دولت، تغییر ایجاد کرده است. در این شرایط، اقتصاد ملی موظف است خود را با شرایط جهانی جدید انطباق دهد و در این خصوص باید به تخصص پیدا کردن در تولید و رقابتی شدن بیندیشد (کدیور، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

جهانی شدن در زمینه اقتصاد به‌گونه‌ای است که اگر حادثه‌ای

می‌شمارند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

به هر حال روند شتابان جهانی شدن، فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در جهانی که محصول جهانی شدن است، انسان‌ها با هم در تعامل هستند و هر لحظه به واسطه ارتباطات ماهواره‌ای می‌توانند از یکدیگر باخبر باشند. از طرفی دیگر، جهانی شدن فرهنگ باعث می‌شود تا فرهنگ‌های ملی در حاشیه قرار گیرند و کنار گذاشته شوند. بنابراین هر فرد در هر جامعه شاهد آن خواهد بود که ارزش فرهنگ‌های بومی و ملی را از دست داده و به فرهنگ‌هایی گرایش پیدا خواهد کرد که از نظر فکری، اخلاقی و روحی ساخته و پرداخته فرهنگ‌های دیگر است (غلیون، ۱۳۷۸).

بررسی سؤال سوم تحقیق: مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد تربیت شهروندی در شرایط جهانی شدن کدامند؟
زندگی در دنیای معاصر و همچنین پیچیدگی‌های موجود در تعاملات بین فردی و گروهی همواره ضرورت‌های تازه‌ای را ایجاد می‌کند. شهروندی زاینده زیستن در دنیای معاصر است که با تأکیداتی تازه در تلاش است تا با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقای جامعه را هموار کند.

جان راولز^۱، شهروندی را عملکرد یک جامعه عادل تلقی می‌کند، وی معتقد است شهروندی جریانی است که در بستر خود، به رشد شهروندانی منجر می‌شود که نه تنها از حقوق آزادی برخوردارند، بلکه وظایفی را هم به منظور تضمین عدالت در جامعه بر عهده می‌گیرند. در چنین فرایندی، افراد علاوه بر اینکه جامعه خود را شکل می‌دهند، تلاش می‌کنند تا با انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، عناصر متشکله جامعه را حفظ کنند.

داون هاوار^۲، عوامل متعددی را برای شهروندی مؤثر می‌داند؛ اما مشارکت را عامل محوری تلقی می‌کند که به پرورش مفهوم شهروندی در آحاد جامعه کمک شایانی می‌کند. شهروندی را نباید فقط عامل رفتاری قلمداد کرد، بلکه باید آن را ایجاد و نشر یک خلق و خوی شهروندی، تمایل داشتن به عمل کردن در جهت نفع عموم و همچنین دقیق و حساس بودن نسبت به احساسات، نیازها و نگرش‌های دیگران، قلمداد کرد. شهروندی بر

بلندمدت، حکومتی جهانی به وجود آید. از نظر گیدنز^۱ یکی از نگران‌کننده‌ترین ویژگی‌های جامعه جهانی امروز این است که جهانی شدن فزاینده نه با یگانگی سیاسی همراه است و نه با کاهش نابرابری‌های بین‌الملل در ثروت و قدرت اختلاف ثروت و سطح زندگی، تفاوت‌هایی هستند که کشورهای ثروتمند صنعتی را از کشورهای فقیر جهان سوم جدا می‌سازند. جهان از بسیاری از جهات متحدتر می‌شود، برخی منابع ستیزه میان ملت‌ها ناپدید می‌شود؛ ولی وجود اختلاف‌های شدید میان جوامع ثروتمند و فقیر می‌تواند منبع عمده‌ای برای تنش‌های بزرگ بین‌المللی باشد (گیدنز، ۱۹۸۹).

برجسته‌ترین نمودهای جهان‌گرایی در بعد سیاسی که در سه دهه گذشته شاهد آن بوده‌ایم عبارتند از:

۱. منزوی شدن و حذف نظام‌های مخالف سرمایه‌داری و بازار آزاد،

۲. تغییر نظام‌های حکومتی کشورهای جهان سوم، از حکومت‌های خودکامه به نظام‌های دموکراتیک،

۳. ایجاد نیروی واکنش سریع در آمریکا که نوعی پلیس ضدشورش بین‌المللی محسوب می‌گردد (رجایی، ۱۳۸۰).

۳. بعد فرهنگی

درباره فرهنگ در نظام جهانی دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. برخی فرایند جهانی شدن را به‌ویژه در ابعاد جامعه‌شناختی آن نوعی «تهاجم فرهنگی» می‌دانند، در حالی که برخی از صاحب‌نظران علوم ارتباطات یکی شدن فرهنگ ملت‌ها را که حاصل ارتباطات شبکه‌ای و ماهواره‌ای است، یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی تلقی می‌کنند. به هر حال در یک نگاه کلی، جهانی شدن به‌طور عمده در دو سو شکل می‌گیرد؛ در پهنه اقتصاد و در عرصه فرهنگ، ابعاد دیگر این موضوع تابعی از این دو خواهند بود. به باور برخی از نظریه‌پردازان آنچه ما را به فرایند جهانی شدن پیوند می‌دهد، در نهایت اقتصاد است. البته این عده، فرهنگ را تابعی از تحول اقتصادی به حساب می‌آورند. در عین حال برخی نیز تحولات فرهنگی را تحولاتی عظیم می‌دانند و معتقدند که باید به‌طور مستقل و در ارتباط با عناصر دیگر خود را نشان دهد و در حقیقت این افراد اقتصاد را تابعی از فرهنگ

دستیابی به مقاصدی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه مانند؛ تساوی و برابری، علاقه به مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است. تعلیم و تربیت شهروندی به شکل‌های مختلف دانش سیاسی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعیین هویت گروهی و ... که برای یک جامعه و همچنین اعضای آن در چارچوب آموزش رسمی و غیررسمی جای می‌گیرد، ضروری است (واحد چوکده، ۱۳۸۴).

مفهوم آموزش شهروندی، مفهومی است کلی، که به فرهنگ و بافت جامعه مورد نظر خود وابسته است. آموزش شهروندی در بافت‌های متفاوتی صورت می‌گیرد و ابعاد گوناگونی دارد؛ مانند ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. شهروندی سیاسی در کل به معنادراری مجموعه‌ای از حقوق و وظایف ذاتی در انسان است و مستلزم مشارکت جدی و احساس مسئولیت نسبت به جامعه و منافع عموم مردم است. در بعد اجتماعی، این آموزش به روابط متقابل میان اعضای جامعه کلی و نحوه زندگی آن‌ها در گروه مربوط است. بعد فرهنگی این آموزش نیز به آگاه‌سازی از میراث فرهنگی مشترکی مربوط است که آن جامعه را از جوامع اطراف خود متمایز می‌کند (کدیور، ۱۳۸۳: ۱۵۹). اهداف عمده تربیت شهروندی جهانی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. فهم مسئولیت‌های یک شهروند نسبت به دیگران، جامعه و محیط،

۲. فهم رفتار اخلاقی در زندگی شخصی، حرفه‌ای و عمومی،

۳. کسب دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای شهروند مسئول

در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی (فراهانی، ۱۳۸۳: ۳۶۴).

در گذر زمان تلاش‌های بسیاری برای نزدیک‌سازی و تبیین

ابعاد مشترک جهانی‌شدن و شهروندی به‌عمل آمد. بسیاری از

صاحب‌نظران برنامه‌های درسی معتقد بودند که برنامه‌هایشان

به توسعه مفهوم شهروند جهانی کمک می‌کند. رامیرز^۳ در سال

۱۹۹۷ به این نتیجه دست یافت که تأکید بر جامعه جهانی،

حقوق بشر و ویژگی‌های شخصیتی فردی و جهانی در مورد

یک تعهد یا وظیفه‌ای که برای دیگران مناسب است، دلالت دارد، مهربانی و تدبیر را نشان می‌دهد و خدمات مطلوبی را به جامعه عرضه می‌کند (واحد چوکده، ۱۳۸۴).

شهروند بودن به این معناست که شما به یک کشور تعلق داشته و برای زندگی کردن در آن جامعه از حقوقی برخوردار هستید. بر این اساس، یک کشور باید از شهروندانش حتی هنگامی که آنها از مرزهای کشورش خارج می‌شوند نیز حمایت کند. در ادبیات کلاسیک، شهروندی، اطاعت از قانون و همچنین خدمت به دولت، از جمله وظایف اصلی شهروندان محسوب می‌شد.

وستهایمر^۱ و کاهن^۲، سه نوع شهروند را نام می‌برند:

۱. شهروند شخصاً مسئول: شهروند شخصاً مسئول، در جامعه به‌طور فردی فعالیت می‌کند، برخی از نمونه‌های رفتاری چنین افرادی عبارت است از: جمع کردن زباله‌ها و تلاش برای تمیزی محیط زندگی، فداکاری و ایثارگری و شهادت‌طلبی، کسب آگاهی، داوطلبانه ادای دین کردن.

۲. شهروند مشارکتی: از منظری دیگر، شهروندان خود افرادی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند، این نوع شهروند را شهروند مشارکت‌جو می‌نامند.

۳. شهروند عدالت‌محور: شهروندان عدالت‌محور به‌طور منتقدانه به ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توجه کرده و استراتژی‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند که ماهیت جمعی داشته و با بی‌عدالتی مخالفت می‌کند و دلایل اصلی مشکلات را نشان می‌دهد (همان).

بی‌گمان تربیت شهروندی یکی از محوری‌ترین و بنیادی‌ترین رسالت‌های نظام‌های تعلیم و تربیت در کشورهای مختلف است.

هر کشوری در قالب آموزش رسمی و غیررسمی سعی در آماده

کردن شهروندان برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی

و فرهنگی دارد که این کار در قالب آموزش مستقیم تربیت

شهروندی از طریق گنجاندن عنوان درسی به همین نام تربیت

شهروندی و یا در قالب آموزش دروس مختلف به صورت میان

رشته‌ای و یا بین‌رشته‌ای انجام می‌دهد (فراهانی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

در یک چشم‌انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی،

1. West hammer

2. Cohen

3. Ramirez

موضوع‌های آموزشی بر مسائل اشتغال و عوامل محیطی مبتنی است. توماس^۱ و ویول^۲ در سال ۱۹۹۹ به این نتیجه رسیدند که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (NGO) هویت جهانی را منتشر کرده و شهروند جهانی را به صورت حقوق ویژه در رهنمودهایی برای رفتار شهروندی تغییر داده و به آن قدرت بخشیده‌اند (واحد چوکده، ۱۳۸۴).

شهروند جهانی بودن مستلزم آشنایی فرد از نحوه عملکرد جهان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیک است. به عبارت روشن‌تر برای شهروند جهانی نیز پاره‌ای ویژگی‌ها برشمرده است که مشهورترین آنها این خصوصیات را در سه بخش «دانش و درک و فهم»، «مهارت‌ها» و «ارزش و نگرش‌ها» مدنظر قرار داده است. جدول ۱ این ویژگی‌ها را به تفصیل نشان می‌دهد: طالب‌زاده و فتحی به نقل از کیملیکا^۳، چهار بعد را برای شهروندی مشخص می‌کنند که عبارتند از:

۱. هویت ملی: هویت ملی به معنای مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌هایی است که انتظار می‌رود شهروندان آن را داشته باشند و عمدتاً این ویژگی‌ها با هویت جمعی یک جامعه ارتباط دارند.

۲. تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی: بیانگر مجموعه‌ای از احساسات و وابستگی‌هایی است که در درون یک جامعه وجود دارد و می‌توان این تعلقات و احساسات، ویژگی‌های کلی شهروندان یک جامعه را تعریف کرد.

۳. نظام اثربخشی حقوقی: منظور یک ساختار حقوقی است که هدف آن، تضمین برابری شهروندان در یک نظام اجتماعی

است. ۴. مشارکت مدنی و سیاسی: بیانگر توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و فعالیت‌هایی است که انتظار می‌رود یک شهروند آنها را داشته باشد و بتواند به کمک آنها، تعهد و التزام خود را به اداره جامعه‌ای که خود عضوی از آن است، به‌طور عملی نشان دهد (طالب‌زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳).

در تربیت شهروند جهانی، مدرسه نقش بسیار مهمی را داراست. دانش‌آموز به‌واسطه مدرسه یاد می‌گیرد که در امور اجتماعی و سیاسی مشارکت کند، با اعضای فعال جامعه ملی و محلی همکاری و مشارکت نماید و خود را در گستره‌ای وسیع‌تر از گستره ملی و محلی ببیند و عملکردهای فراملی داشته باشد. اصولاً نظام‌های تعلیم و تربیت، تحمل، دوستی در میان ملت‌ها و گروه‌های نژادی و مذهبی و بیشتر از همه صلح جهانی را ارتقاء می‌دهند. بر این اساس تعلیم و تربیت شهروندی نه تنها به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت انسان‌ها و ایجاد شرایطی که افراد قادر باشند با آرامش در کنار هم و در یک جامعه جهانی به هم وابسته زندگی کنند، تصور می‌شود.

مدرسه باید، به دانش‌آموزان در مورد تاریخ حقوق بشر، محتوا و بیانیه‌هایی که در مورد مسائل حقوقی مطرح است، بیاموزد. آموزش حقوق بشر یک مؤلفه عمده برای طبقه وسیع تعلیم و تربیت شهروندی و فهم بین‌المللی قلمداد می‌شود. نگرش‌ها و دانش تدوین شده در تعلیم و تربیت برای فهم بین‌المللی، مستقیماً باید به اصول و شیوه‌های علمی - حقوق بشر متکی باشد. برخی خصیصه‌های چنین محتوا و نگرشی عبارت است از:

جدول ۱. ویژگی‌های شهروند جهانی

| ارزش‌ها و نگرش‌ها | مهارت‌ها | دانش و درک و فهم |
|------------------------|--------------------------------|------------------------------------|
| احساس هویت | تفکر انتقادی | عدالت و برابری اجتماعی |
| تعهد به عدالت اجتماعی | استدلال کردن | تنوع |
| ارزش و احترام به تنوع | مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری | جهانی شدن و وابستگی انسان‌ها به هم |
| علاقه به حفظ محیط‌زیست | احترام به افراد و امور مختلف | توسعه پایدار |
| اعتماد به نقش انسان | همکاری و حل تضادها | صلح و تضاد |

مأخذ: (Lagos, به نقل از: واحد چوکده، ۱۳۸۴).

انتقال و قابلیت تجارت، سرمایه ملی در سطح جهان، جریان سرمایه‌گذاری خارجی و نظایر آن در قالب شرکت‌ها و بانک‌های چندملیتی صورت می‌گیرد. در عصر جهانی‌شدن، دنیایی بدون مرز پدید می‌آید و اجزا و عناصر فرهنگ‌های مختلف به صورتی گریزناپذیر با هم برخورد کرده، در کنار هم قرار می‌گیرند. در جهانی‌شدن سیاست، روابط اقتصادی موجب کاهش قدرت و کارایی حکومت‌ها در سطح ملی می‌شود. قدرت دولت‌ها با ظهور فرایندهای فراملی کاهش می‌یابد و حوزه‌های سنتی ناگزیرند حاکمیت خود را در قالب واحدهای سیاسی بزرگتر، مانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول هماهنگ کنند.

بنابراین می‌توان گفت؛ شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد به‌نحوی که آنها قادر باشند در یک جامعه دموکراتیک، محیط خود و محیط اجتماعی سایرین را به‌نحو مثبت و بارزی متأثر سازند (عالی، ۱۳۸۲). به‌طور کلی تربیت شهروندی جهانی باید منجر به تربیت افرادی شود که ویژگی‌های زیر را دارا باشند: مشارکت، تقبل و پذیرندگی، هواداری، پژوهش، ارزیابی، همدردی، دلجویی و استعانت، رهبری، نمایندگی، مسئولیت.

در این میان نقش حکومت‌ها بسیار برجسته است. حکومت‌ها لازم است با برقراری چارچوب نهادی - آموزشی مناسب در این راه گام بردارند و با استقرار یک نظام آموزشی کارآمد به‌ویژه در بعد شهروندی و شهروندی جهانی، تمایل بیشتری برای ایفای مسئولیت‌های خود فراسوی مرزها از خود نشان دهند. انسان فرهیخته فردا ناگزیر خواهد بود که خود را برای زندگی در «دنیایی جهان‌شمول» و فراگیر مهیا سازد. انسان فرهیخته آینده می‌باید از نظر دیدگاه، افق دید و گستره اطلاعاتی به «شهروندی جهانی» بدل گردد. با وجود این او باید به رگ و ریشه بومی و قومی خود باز گردد و به‌نوبه خود در هر چه غنی‌تر ساختن و توسعه فرهنگ بومی و محلی خود بکوشد.

منابع

- امین‌پور، جنور. (۱۳۸۴). ضرورت تربیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد.
- توسلی، مجید. (۱۳۸۱). جهانی‌شدن، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، ماهنامه داخلی گزارش‌گفتمان، تهران: کانون اندیشه جوان.

۱. ترویج نگرش پذیرش افراد، نژادها، مذهب‌ها، فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف.

۲. فراهم ساختن دانش و فهم در مورد کشورها و افراد بیگانه، نژاد انسان و در مورد تربیت جامعه انسانی (واحد چوکده، ۱۳۸۴).

پرورش شهروند فعال و مؤثر، خواه در سطح ملی و خواه در سطح جهانی، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستاست.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق نسبت جهانی شدن با تربیت شهروندی مورد بررسی قرار گرفت و به‌دنبال پاسخگویی به سه سؤال بودیم: ۱. نسبت میان جهانی‌شدن با تربیت شهروندی چگونه است؟ ۲. مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد جهانی‌شدن کدامند؟ ۳. مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد تربیت شهروندی در شرایط جهانی‌شدن کدامند؟

جهانی‌شدن بستر شهروندی را دگرگون ساخته است و بازاندیشی آن را در ابعاد محتوا، گستره و عمق، باعث شده است. آنچه مسلم است این است که جهانی‌شدن مسائلی جدیدی را پیش‌روی شهروندی قرار داده است که نیاز به تبیین جدیدی دارد که در آن شهروند علاوه بر پیوند به ملیت خاص باید به مسائل فراملی نیز بیندیشد. مفهوم جهانی‌شدن، به درهم فشردن جهان و به تمرکز آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. جهانی‌شدن در پنج ویژگی کلی قابل بیان است: ویژگی اول جهانی‌شدن، کم شدن فاصله جغرافیایی میان جوامع بشری است. ویژگی دوم، توسعه علوم تکنولوژی است که انسان را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. ویژگی سوم، ظهور نوعی فرهنگ جهانی بر مبنای برخی عوامل بین‌المللی است. ویژگی چهارم، رشد غربگرایی در جهان به دلیل برخی متغیرها مانند زبان، علوم و تکنولوژی. پنجمین ویژگی جهانی‌شدن، کم شدن توجه به مسائل نظامی نسبت به گذشته است. به این واقعیت دست یافتیم که جهانی‌شدن یک جریانی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که سعی دارد نوعی انسجام وحدت‌گرایانه را در مقولاتی چون اقتصاد، سیاست و فرهنگ به‌وجود آورد. در جهانی‌شدن اقتصاد،

- دیبا، طلعت. (۱۳۸۳). بررسی ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه ایرانی و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی‌ها. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۰). جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۸۰). پدیده جهانی‌شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگاه.
- رحمتی، مرجان. (۱۳۸۲). بررسی پدیده جهانی شدن و آموزش عالی از دیدگاه مدیران ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سجادی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). جهانی‌شدن تعلیم و تربیت، پیامدها و چالش‌ها، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی‌شدن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، صص ۱۸۷-۱۶۷.
- طالب‌زاده، محسن و فتحی‌واجرگاه، کوروش. (۱۳۸۳). «برنامه‌های درسی تربیت شهروندی، اولویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران»، مجله علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). جهانی شدن و اثرات آن، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳-۳۴.
- عالی، مرضیه. (۱۳۸۲). تبیین و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از پدیده جهانی شدن برای نظام تعلیم و تربیت ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- عطاران، محمد. (۱۳۸۳). جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، صص ۲۱۷-۱۹۷.
- عنان، کوفی عطا. (۱۳۸۰). ما، مردمان، ترجمه رضا رضاعی، تهران: نشر نگاره آفتاب.
- غلیسون، برهان. (۱۳۷۸). جهانی‌سازی و گفتگوی تمدن‌ها، ترجمه باقری، روزنامه کیهان.
- فرمehنی فراهانی، محسن. (۱۳۸۳). جهانی شدن و تربیت شهروندی جهانی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، صص ۳۷۱-۳۵۱.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۳). ضرورت آموزش شهروندی در جامعه جهانی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، صص ۱۶۶-۱۴۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- معروفی، یحیی. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جهانی شدن آموزش و پرورش، مجموعه مقالات اولین همایش جهانی‌شدن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، صص ۵۸۳-۵۵۱.
- واترز، مالکوم. (۱۳۷۹). جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیماوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه نظری از منظر معلمان زن شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.